TRANSCRIPT · EPISODE 241

What Does That Even Mean? Quite Good: Was That a Compliment?

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

84 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Today I want to tell you a short story.

امروز می‌خواهم یک داستان کوتاه برایتان تعریف کنم.

It is an imagined example, not something that really happened.

این یک مثال خیالی است و واقعا اتفاق نیفتاده است.

Imagine I have an idea for a Saturday conversation club.

تصور کنید ایده‌ای برای یک باشگاه مکالمه در روز شنبه دارم.

I explain it to a classmate, and she listens carefully.

ایده را برای یکی از هم‌کلاسی‌هایم توضیح می‌دهم و او با دقت گوش می‌دهد.

Then she says, "It's quite good."

بعد می‌گوید: «نسبتا خوب است».

In my head, I hear: wow, it is very good!

من در ذهنم می‌شنوم: وای، خیلی خوب است!

So I make posters, and I tell my friends the idea is a success.

پس پوستر درست می‌کنم و به دوستانم می‌گویم ایده موفق شده است.

A few days later, she tells me more.

چند روز بعد او توضیح بیشتری می‌دهد.

She says, "It's quite good, but the time is a problem, and the room is small."

می‌گوید: «نسبتا خوب است، اما ساعتش مشکل دارد و اتاق کوچک است».

My excitement goes down.

هیجانم کمتر می‌شود.

So, what does that even mean?

پس واقعا منظورش چیست؟

Was "quite good" a compliment, or not?

آیا «quite good» تعریف بود یا نه؟

Welcome to What Does That Even Mean?

به What Does That Even Mean خوش آمدید.

I'm Martin.

من مارتین هستم.

And I'm Julia.

و من جولیا هستم.

Juan, this is a very common question.

خوان، این پرسش خیلی رایجی است.

The word is quite, and it is a small word with a big job.

کلمه مورد نظر quite است، کلمه‌ای کوچک با نقشی بزرگ.

In British English, quite has more than one meaning, and the meaning depends on the word after it.

در انگلیسی بریتانیایی، quite بیش از یک معنی دارد و معنی آن به کلمه بعدی بستگی دارد.

With adjectives that you can measure, like good, tired, or interesting, quite often means fairly, or to some degree.

با صفت‌های درجه‌پذیر مانند good، tired یا interesting، کلمه quite اغلب یعنی نسبتا یا تا حدی.

For example, "The soup is quite good, but I'd like more salt."

برای مثال: «سوپ نسبتا خوب است، اما نمک بیشتری می‌خواهم».

So "It's quite good" can mean: it is good, but it is not great.

پس «It's quite good» می‌تواند یعنی خوب است، اما عالی نیست.

But the strength can change.

اما شدت معنی می‌تواند تغییر کند.

In American English, quite with these adjectives often means very.

در انگلیسی آمریکایی، quite با این صفت‌ها اغلب به معنی خیلی است.

So a speaker used to American English might mean "very good" when they say "quite good."

پس کسی که به انگلیسی آمریکایی عادت دارد ممکن است با «quite good» منظورش «خیلی خوب» باشد.

That is why the speaker, the tone, and the situation matter.

به همین دلیل گوینده، لحن و موقعیت اهمیت دارند.

This is not a rule about every person from one country.

این قانونی درباره تک‌تک افراد یک کشور نیست.

It can also be a polite way to soften an opinion, so the word is not always a strong signal.

این کلمه همچنین می‌تواند راهی مؤدبانه برای ملایم‌تر بیان کردن نظر باشد، پس همیشه نشانه‌ای قطعی نیست.

So my classmate could mean "fairly good," and I heard "very good."

پس ممکن است هم‌کلاسی‌ام منظورش «نسبتا خوب» بوده و من «خیلی خوب» شنیده باشم.

Yes, that is possible.

بله، این امکان وجود دارد.

There is no mistake in your hearing, because the word really can be unclear.

لزومی ندارد بد شنیده باشی، چون این کلمه واقعا می‌تواند مبهم باشد.

Now let's compare three expressions.

حالا سه عبارت را مقایسه کنیم.

First, quite good.

اول، quite good.

Usually this means good to a noticeable degree, but the strength depends on the speaker and the tone.

معمولا یعنی تا حد قابل توجهی خوب، اما شدت آن به گوینده و لحن بستگی دارد.

Second, quite sure.

دوم، quite sure.

Here, quite usually makes the feeling stronger.

اینجا quite معمولا میزان اطمینان را بیشتر می‌کند.

For example, "I'm quite sure the train leaves at six" means the speaker feels very sure.

برای مثال، «I'm quite sure the train leaves at six» یعنی گوینده بسیار مطمئن است.

Third, not quite.

سوم، not quite.

This means not completely, or almost.

این عبارت یعنی نه کاملا یا تقریبا.

For example, "I'm not quite ready" means I am almost ready, but not completely.

برای مثال، «I'm not quite ready» یعنی تقریبا آماده‌ام، اما نه کاملا.

So the same small word can sound weaker, stronger, or almost complete.

پس همان کلمه کوچک می‌تواند معنی را ضعیف‌تر، قوی‌تر یا نزدیک به کامل نشان دهد.

One more pattern: quite a, before a noun.

یک الگوی دیگر quite a پیش از اسم است.

For example, "It was quite a surprise" usually means a big surprise.

برای مثال، «It was quite a surprise» معمولا یعنی غافلگیری بزرگی بود.

Then how can I understand what the person means?

پس چطور می‌توانم منظور آن شخص را بفهمم؟

Look for clues.

دنبال نشانه‌ها بگرد.

Listen to the voice: is it warm, or flat?

به صدا گوش بده: گرم است یا بی‌حالت؟

Does the person say "but" after quite good?

آیا شخص پس از quite good کلمه «but» را می‌گوید؟

And ask what comes next.

و به آنچه بعدش می‌آید توجه کن.

If the person gives you a list of problems, they probably mean fairly good.

اگر شخص فهرستی از مشکلات بدهد، احتمالا منظورش نسبتا خوب است.

If the person asks where to sign up, that suggests interest, but it still does not prove exactly how strong their praise is.

اگر بپرسد کجا ثبت‌نام کند، این نشانه علاقه است، اما دقیقا شدت تعریف او را ثابت نمی‌کند.

You can also ask a friendly question.

همچنین می‌توانی یک پرسش دوستانه بپرسی.

For example, "What would make it very good?"

برای مثال: «چه چیزی آن را خیلی خوب می‌کند؟»

Here are two more.

دو پرسش دیگر هم این‌ها هستند.

"Do you mean it is good, or very good?"

«منظورت خوب است یا خیلی خوب؟»

"Would you come to the club?"

«به باشگاه می‌آیی؟»

All three are polite, and they show that you want an honest answer.

هر سه پرسش مؤدبانه‌اند و نشان می‌دهند پاسخ صادقانه می‌خواهی.

That is a much better plan than posters.

این برنامه خیلی بهتر از درست کردن پوستر است.

The difficult part was not the word alone.

بخش دشوار ماجرا فقط خود کلمه نبود.

It was making posters before I asked.

مشکل این بود که قبل از پرسیدن پوستر درست کردم.

Next time, I will ask before I decide.

دفعه بعد پیش از تصمیم گرفتن می‌پرسم.

For the club, I will look for a bigger room and a better time.

برای باشگاه دنبال اتاق بزرگ‌تر و ساعت بهتری می‌گردم.

Now let's try a challenge.

حالا یک تمرین انجام دهیم.

Listen to each sentence, and decide what quite means.

به هر جمله گوش بده و تصمیم بگیر quite چه معنی می‌دهد.

Number one: "The film was quite good, but it was a little long."

شماره یک: «فیلم نسبتا خوب بود، اما کمی طولانی بود».

Probably fairly good, not amazing.

احتمالا نسبتا خوب، نه فوق‌العاده.

The word but gives us a clue.

کلمه but به ما سرنخی می‌دهد.

Number two: "I'm quite sure he said Friday."

شماره دو: «کاملا مطمئنم که او گفت جمعه».

Very sure.

خیلی مطمئن.

Here, quite makes the feeling stronger.

اینجا quite میزان اطمینان را بیشتر می‌کند.

Number three: "I'm not quite ready."

شماره سه: «هنوز کاملا آماده نیستم».

Almost ready, but not completely.

تقریبا آماده، اما نه کاملا.

Number four: someone says, "It's quite good!" with a big smile.

شماره چهار: کسی با لبخند بزرگ می‌گوید «It's quite good!».

Then they ask, "Where can I buy it?"

سپس می‌پرسد: «کجا می‌توانم آن را بخرم؟»

Probably positive.

احتمالا نظرش مثبت است.

The question suggests real interest, although it does not tell us exactly how strong the praise is.

پرسش نشان‌دهنده علاقه واقعی است، هرچند شدت دقیق تعریف را مشخص نمی‌کند.

So here is my plan.

پس برنامه من این است.

Listen to the tone, notice what comes next, and ask a follow-up.

به لحن گوش بده، به جمله بعدی توجه کن و پرسش تکمیلی بپرس.

Remember, this is a guide, not a rule, because speakers are different.

یادت باشد این یک راهنماست، نه یک قانون، چون افراد با هم فرق دارند.

Different speakers use quite in different ways, so it is better to ask than to guess.

افراد مختلف quite را به شکل‌های متفاوت به کار می‌برند، پس پرسیدن بهتر از حدس زدن است.

You can download a PDF with these three expressions on yourenglishtoolbox.com.

می‌توانی یک فایل PDF با این سه عبارت از yourenglishtoolbox.com دانلود کنی.

Keep it, and read it again before a conversation.

آن را نگه دار و پیش از یک مکالمه دوباره بخوان.

The link is in the description.

پیوند در بخش توضیحات است.

Thank you for listening.

از اینکه گوش دادید سپاسگزارم.

See you next time.

تا دفعه بعد.

Bye for now.

به امید دیدار.